



از ماجرای " رعنا " براحتی عبور نمی کنم . مادرش را خوب بخاطر دارم در حالی چشمانش را برای همیشه بست که نگران دخترانش بود. اینها را می نویسم برای کسانی که گفتند و می گویند ...

.....ادامه از پست قبل :

از ماجرای " رعنا " براحتی عبور نمی کنم . مادرش را خوب بخاطر دارم در حالی چشمانش را برای همیشه بست که نگران دخترانش بود. اینها را می نویسم برای کسانی که گفتند و می گویند قانون کامل است نیاز به اصلاح ندارد ، برای کسانی می نویسم که در تصویب لایحه حمایت از کودک ، دست دست می کنند و تردید دارند ، اینها را به روایت تصویر برای مردمی می نویسم که بدسرپرست را بشناسند و به حمایتش بیایند .

?تصویر یک : نازنین آینه ای در دست گرفته ، تا رعنا خود را در آینه جفای روزگار بنگرد!

?تصویر دو : رعنا نشسته بر روی پاهای مادری که سهم اش از عشق ، فقط سوختن و سوختن بود ! آغوش مادر مامن اوست.

?تصویر سه : کاشکی همه این اتفاق های تلخ تنها یک بازی بود !

?تصویر چهار : درخواست طلاق کرد ، همه جهان اش تباه شد !

?تصویر پنج : این سمیه و آن یکی ! محصول دست بشری است که لحظه ای فرمان از شیطان برد!

?تصویر شش : زندگی با همه وجود خودش را به رخ می کشد حتی از لابلای این همه ظلمت...

?تصویر هفت : دست نوازشگر تو را می خواهم حتی اگر چرکی کار پدرم ، لطافت را از آن دزدیده باشد .

?تصویر هشت : تابلوی دو نفره مادر و دختر همیشه تابلوی مشهوری بوده است ؛ این هم عکس دونفره

یادگاری زیبا با همان درونمایه !

?تصویر نه : تیم پزشکی و کار طاقت فرسا روی چشمان دختر (خدا بهترینش را ساخت و اما نفرتی آن را

نابود کرد ) و تاثیرات بیهوشی های مکرر و طولانی بر حافظه

---

تصویر ده : سفر مادر و از دست دادن آغوش گرمش  
در پست بعدی از صحنه روبرو شدن دو خواهر با پدرشان در دادگاه هفته گذشته می نویسم و اینکه .....  
( ادامه دارد )

@mehrafarincharity

#دانشور #فاطمه\_دانشور #رعنا #سمیه #اسیدپاشی #اسید #کودک #مادر #دختر #مادران  
#کودکان #بم #کرمان #خیریه #نیکوکاری #کمک #مهرآفرین #ایران #اعتیاد #معتاد